



# محکمہ التعمیر

محکمہ تعمیرات  
دہلی





جناب ہرزہ شنس محمد ناصر الملک صاحب مستر آف چترال



احسن التحقیق فی مباحث اہل  
التخلیق

المسعودی

صحیفہ  
الکونین

مصنفہ

محمد جمال  
سر الملک

رہزہائی ٹس والی پتھر (ال)



پبلشر - محمد نصیر بہاولپور بی اے ریویوے روڈ لاہور





این که از زبان طالب علمی شوق تحقیق متعلق مباحث است ارتقا و انگیزه خاطر دوازدهم  
 چنانچه در سال ۱۹۲۳ م این مسئله را به طریق اختصار درسی و پنج ابیات منظوم نموده بودم  
 بعد فراغت از تعلیم نیز در مطالعه این نظریه فتور به ظهور نیامد بلکه در حین تداوت  
 کلام مجرب آیتیه را که مفهوم آن موافق این نظریه بنظر می آمد نوشته نگاه میداشتم  
 در اایل سال ۱۹۲۴ م که بفرصت تحصیل تربیت عسکری ورودی مقیم بودم  
 شغف اندوید پذیرفته بر آنم آوردم که نظریه مذکور را قدری به تفصیل حله نظم پوشانم  
 و در هر هفته شش ماه یک ساله منظوم مشتمل بر یک هزار و دو صد ابیات بر منقذ شش  
 جاوه گردید و درین اثنا بر ای چند روز اتفاق در راه و افتاد و بعضی ابیات  
 آنگاه بر مندا شش و سحر اقبال و نمایین کتابی اناکس تصور نموده انداز ۱۹۲۸ م  
 تا سال ۱۹۳۰ م در کتابخانه تبیینیه که متعلق به این مباحث اشتغال  
 در نزدیم و بر یک مسئله را که بهم دستم خبر و این چیزه نمودم چنانچه امروز چیزی که  
 پیش نظر بود و بعد از جدوجهد کمال بعد از مدت دو سال در این کتابی که اسم



می نمایم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 آخر آمد ز پس پرده تقدیر پدید

مصنف صحیفه را چون بے بضاعتی خود به دیروزه اصطلاحات مجبور ساخت استمداد  
 از نام مکتبہ علمیہ مشرقیہ دارالعلوم سرحد جناب استاد مولوی عبدالرحیم نمود و امداد سے  
 کافی و شافی بابت صحیفہ ہذا را علامہ مشرقی نیز در سال ۱۳۲۲ھ بہ غور و بلا خطہ فرمودہ اند  
 بعضی مسائل علم الحیات مشورہ اصلاح ہم دادہ و سی مصنف اینظر استخسان پیرہ اند۔  
 بعضی از دوستان می پندارند کہ منتہای تصدیق این رسالہ <sup>تطبیق</sup>  
 مسائل قرآنیہ با نظریات جدیدہ فلسفیہ است بر همین زعم خود این اعتراض <sup>میکند</sup>  
 کہ نظریات جدیدہ هنوز بیائے ثبوت نرسیدہ۔ اندرین صورت آیات قرآنی را  
 بان <sup>تطبیق</sup> دادن و بر آن محمول نمودن قبل از ثبوت و موجب ضعف در عقاید <sup>تطبیق</sup>  
 خواهد بود۔ حاشا و کذا کہ کلام پاک او حق سبحانہ و تعالیٰ محتاج تطبیق باشد ممکن  
 نیست کہ اگر مسلمانی کہ ایمان <sup>تطبیق</sup> چنانہستہ تر آن داشته باشد این <sup>تطبیق</sup> قائل شود

دل خود یک لحظه هم جائے و بہ حقیقت این کہ فلسفہ حکما را خواہ قییم باشد یا جدید فخر  
بر آن است کہ احیاناً بعض نظریات آن مطابق ارشاد حق سبحانہ و تعالیٰ باشد

مان مدحت محمدؐ بمقالتی لکن مدحت مقالتی ب محمد

لیکن کسی کہ جو پائے معارف قرآنی است با مسائل فلسفہ تیز بشغف آرد۔ اگر در میان

پر و تطابق می بیند جزو پیش چست و اگر معانی تنزیل بغیر تاویل با یک مسئلہ فلسفیہ توافق

بپذیرد در افتائے آن فائده یعنی چه؟ من نیز چون این مطابقت را مشاهده نمودم

شرح آن کردم و بہ سلاک نظم در کشیدم کہ طلاب علم و عابد مسلمین بغیر از ذکر است

فلسفی تحقیقات جدیدہ را قبول نمایند و متفرحتان را از خود دور سازند۔

درین بابیہ حال اثر و جلیل التدریج عظیم المنزہ شامل در سید مرتضیٰ و عمید

و علامہ طنطاوی همچون تطابق را مدعا می نمودند۔ اظہار آن را مفید دانستہ اند و اینست

آن کوشیدہ

من تہنہا دین حنہ استم ازین می جوین بسیار شد

اگر باین اعتذار هم فرمان برسد  
 ترسم که همی انی زورق به سراب اند  
 زادی به حجاب اند میری به حجاب اند  
 در جواب گویم آموختمنا حیضت الخالق وراء الورد است که از نظر ظاهر  
 محجوب است و مجرب خواهد ماند اما در باره مشاهدات عالم مادی عرض خواهیم نمود.  
 من سرته رازی از دیده نبردستم اسرار جهانم پیم نهان به کتاب اندر  
 اگر علامت می باشد مثل الیوریلج یک آیت توراته را بر علم خود با فلسفه جدید  
 تطبیق داد می توان گفت که سرکه زردی حکمت بعد از مصلحت مسالمت  
 گردید چه باین ازین حق محروم باشیم و باین همه شواهد آیت بیانات از حقیقت  
 که کنیم و تاثره فتنه اختلاف زردی حکمت افروخته نشانیم؟  
 قرآن مجید به اعتقاد جمله علمایان که از قدیم حضرت ابوالعلمین است  
 که تا قیامت غیر مبدل خواهد ماند و در آن کتاب سنن زکریا و ایتیه الباطل  
 من بین یدیه ولا من خلفه تزین من حکیم حمید پشیمان

راست فرموده اند

جميع العالم في القرآن لكن تقاصر عنه افهام الرجال

و نیز گفته اند که معنی هر لفظ از قرآن مجید در یافتن پرده و محجوبی مستور است و

هر چه در ده که از آن وا شود معنی جدید می یابد و می شود که با الفاظ دیگر ظهور نور است

بنجیال احقر اگر فخر الدین رازی حکمت یونان را به قرآن دید خوب کرد و اگر لفظ او

فلسفه جدید و حقائق سائنس را در قرآن یافت کاره مرغوب کرد و حقایق

قرآنیہ بالاتر از همه است قرآن مجید یک آئینه ایست که مردم هر عصر حسب

استعداد خود تا به حد کمال که سنتهاش معلوم هر وجه آن عصر است صورت کمال آن

را در آن مشاهده می توانند نمود - و اگر بالفرض بقائے این دنیا بیون با سال باشد

انحشاف حقائق در علوم ما و پیشه چنان با معارف قرآنیہ روش بدوش خواهد رفت

هست قرآن سر سبز گفتار حق نیز عالم جمیل کردار حق

کے بود کردار و گفتار خدا همچو نوبل از نسیل ما جدا

الحاصل علم انسانی هیچ گاه با علم سجانی جل شانه برابری نتواند نمود. و بناء علی هذا  
 بعض اسرار قرآنی تا قیامت از فهم نوع انسانی بالاتر خواهد ماند. و مَا  
 أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

تو درون غار گشته مبتلا مقصدت بیرون اقطار سماء

هست قرآن لیبمانی زان طرف اگر گزستی این سرش الا تخف

بعضی از ناصحان نکته چین چین میفرمایند که در نظم خود الفاظ عربیه بچهرت

استعمال نموده عید. که فارسی جدید ایران حمل آن افعال نتواند کرد. التماس احقر

این است که فارسی اختصاصی به ایران ندارد بلکه اکثر اقطار ماوراءالنهر و بدخشان

واقفان نشان به آن تکلم میکنند و فارسی در بلاد هندوستان هم ازین ممالک شیوع یافته

نه که از ایران. فارسی هندوستان همان است اهل ماوراءالنهر و بدخشان واقفان نشان

است که از عهد سلطان محمود غزنوی تا عصر بابری در خطه هندوستان نفوذ و شیوع

داشت پس اگر التزام لغت ایران نکرده شود چندان حرج نخواهد بود. اصطلاحات

خلیبہ یا در عربی توان جست - نه در زرد و او ستائے زرد دشت البتہ بنا بر ضرورت

اگر کلام الفاظ غریبہ یا ترکیب غیر انوس استعمال شدہ باشد امید از ناظرین

گرام این کہ عفو و اغماض را کار خواهند فرمود بر مقولہ صادقہ خدا صفا

و مع ناکدر عمل خواهند نمود

آدمی از سہو و خطا پاک نیست آب و ان سبب خوش خاشاک نیست

فصل این صحیفہ را تہرکاً آغاز بیک آیت از آیات کلام مجید کردیم

و در آخر ہر دو حصص این صحیفہ یک تہ نوشتہ ام کہ تطبیق مسائل جدیدہ

با آیت مقدسہ کلام مجید در ان مستخرج است من

شہرتا شیبہ اللہ العالمین

بین عقل و عقل تطبیق چنین

محمد ناصر الملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ویبیاچہ

چہ خوش گفتہ است تا حے سخن دران	کہ دست باد بر رخسار
خدا در انتظار حمد بانیت	چہ چشم در راه شرف نیست
محمد حامد حمد خدا بس	خدا بملک شان مصطفی بس
پند زیب جبریت مخلوقی باشد	چہ برود کار خالق سے
پہ کنہ ذات او در ک راه	نہ باشد پنج گے قصہ کوانہ
بحر سے دل تو نہ بخش افان	بہ شہ پہر جہل تو پیش نریان

زیر نفس آگاهی ندارم به آن ایوانِ عالی نیست بازم

کنم یک مختصر بحثی ز عالم

به صدق و کذب آن اللہ اعلم



مَكِّيَّةٌ لِكُلِّ مَكِّيٍّ

# فہرست مضامین

صفحہ

نمبر شمارہ

دیباچہ

۱  
۲ افتتاحیہ مشتمل پر دو فصول - در بیان مقصد و اہداف و

۱۵

نظام انجمن

۳ حصہ اول مشتمل پر چار فصول - از آغاز عالم تا

۴۵

ظہور حیات

۱۱۳

۴ حصہ دوم

۵ حصہ سوم مشتمل پر چار فصول - از ظہور حیات تا

۱۲۰

ظہور انسان پر دو فصول

۱۹۵

۶ حصہ چہارم

۶ ضمیمہ اول مشتمل پر دو فصول - از آغاز عالم تا

۱۰۰

واخراقیات و تربیت

# حَقِيقَةُ التَّكْوِينِ

اِقْتِصَابِيَّةٌ

مَشْتَمِلَةٌ عَلَى

فَصْلِ اَوَّلٍ - فِي بَيَانِ تَرْقِيٍّ بِمَادَّةٍ عَقْلِيَّةٍ وَنَزْأَةِ سَمَاءٍ وَانْكَشَافِ نَاسِئِ

عَرِيذَةٍ جَدِيدَةٍ وَحَسْبِ تَالِيْفِ كِتَابِ

۲- فَاصلِ رُوْمِ - وَرَكْبَتِ نِظَامِ اِخْتِمِ وَرُوِيَّةٍ مَعْرِفَتِ مَعْرِفَةِ صِلَى

اَللّٰهُ عَلِيْمٌ وَوَالِدٌ مَّجِيدٌ

سخن از مطرب می گوی و در از دهر کمتر جو  
 که کس نکشود و نکشاید حکمت این معمارا

# فصل اول

در بیان ترقی علوم عقلیه و انکشافات جدید  
جدید و زماں حال و سبب تالیف کتاب

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ  
خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

تو هم اندر آنکه آغازه کتاب از درجا و باس در دل هیچ کتاب  
بزرگستان بیداری خیال پیشم آمد و نظر شیرین مقال

نه میسر دانش هر که را خواهد و چه که داده شد او را دانش پس مرا آتش درون رشاد در انبیا و نبی است

و چند چیز نمی شنود که در دنیا درین نزد و تفسیر معنی

مکتب به آری معنی صحیح

شمع جمع نخلبندان کلام	اہل دل را شعر او شرب مدام
گفت بشنو پند پران کهن	بس کن از رازِ فلک گفتن سخن
حل نکرد این معما از عقول	سعی و جہدت را یگان است فصول
نیست کس زبیرا در این طریق	بہیئہ ضائع مکن تکر و تین
از غی و مطرب سرودن شاعری است	در دو چشم سادہ رویاں ساحری است
در دسر آرد گفت کردہ بہات	از لب ساقی بجو آب حیات
من ز پند حافظ عالی جناب	کردہ ترک عزم چون رفتم بجواب
ناگہاں آمد مروتش از سما	دوئے گیتی شد ز نورش پر ضیا
گفت تا کہ از حقائق نامالی	باعث صدف است است این کاہلی
من ز اہل جنت آورم پیام	از غزالی نیست از رازی سلام

۱۰ یعنی پیش از تو در شعر پارسی کسی این بحث را ننوشتہ

۱۱ حجۃ الاسلام امام محمد غزالی

۱۲ سرودش بمعنی فرشتہ

۱۳ امام فخرالدین رازی مفسر

منتظر بونصر ہست و بوعلیؑ  
 روح ایراں شہری از فرط سرو  
 مرشدِ رومی امامِ معنوی  
 مردِ مومن را برائے معرفت  
 نیست نغمی صراطِ مستقیم  
 مطلبِ کشفِ اسرار است و بس  
 تو نداری ذوقِ شعرو شاعری  
 قولِ دانایاں نویس اندر کتاب  
 علمِ کنہِ این حقا ئق بالکمال  
 کہے شود این شمعِ ہدایت منجلی  
 در قصورِ حنبت افگند ہست شہو  
 مر ترا داد ارفانِ وزنِ مثنوی  
 رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا شہرحمت  
 ہست فوقِ کلِّ ذی علمِ علیہ  
 یہ ہر توفیقِ کراہ است و بس  
 کہے کنی وصفِ بتانِ آذری  
 بازگو واللہ اعلم بالصواب  
 کس نہار و غیرتِ ذوالجلال

۱۔ ابونصر فارابی حکیم مشہور  
 ۲۔ حکیم ایراں شہری کہ اور استاد ایراں تہذیبی سمجھتے  
 ۳۔ رب زدنی علمنا۔ اسے بیور گناہ میں زیادہ کن علم مرا۔  
 ۴۔ فوق کل ذی علم علیہ بالاسے ہر دانش دانہ و اسے ہر کتب کنہ یعنی حقیقت

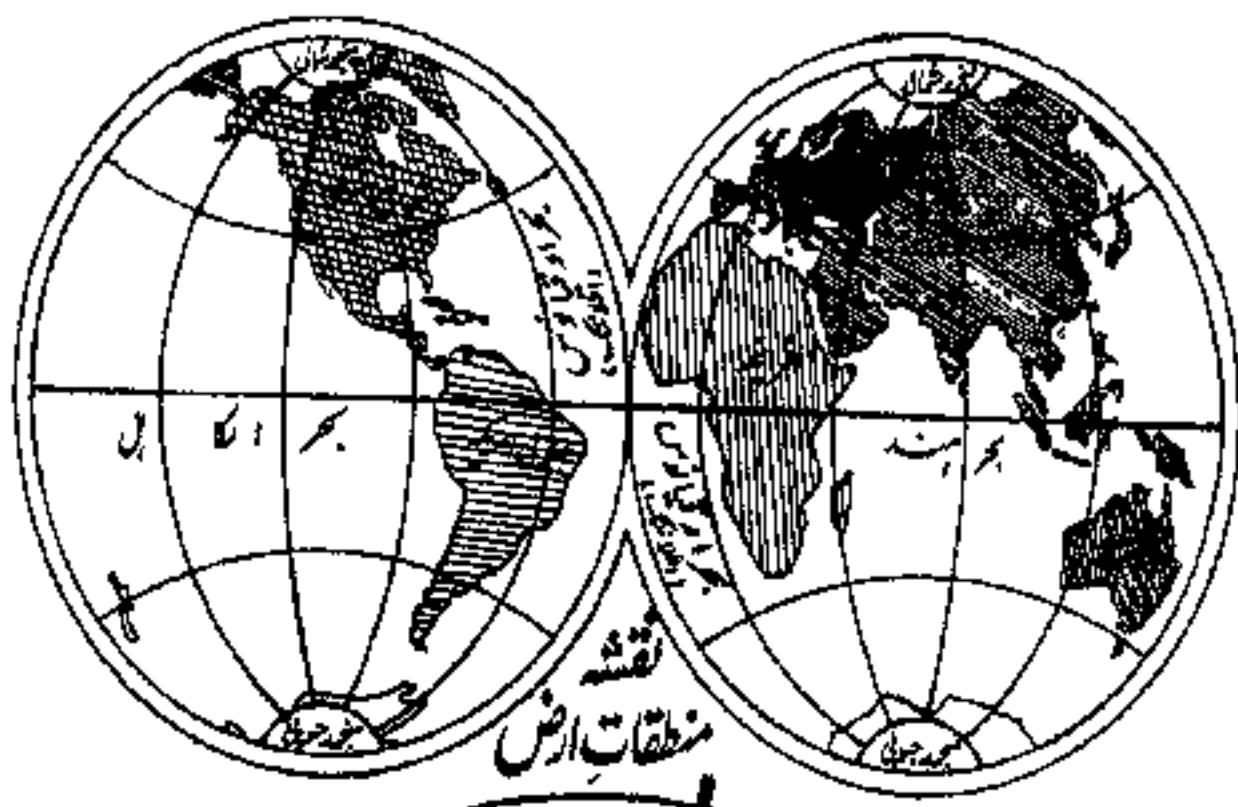
تا کنوں ازورگت مادر اختفا	ہست جزو اعظم امر خدا
علم ہارا کمتر از قطبہ شمار	عالم حق بحسب زنا پیدا کتا
کس نداند از خلق تیسرے سر	راست گفت آن جانفزا صاحب نظر
شکل دنیا را ممتاے بدآن	مطلب شعرش اگر باشد چنان
ہر زمانے را دگر باشد عیار <sup>۱۲</sup>	اندیش جانسوز معذورش بدآن
یک ممتا شکل سطحش سے نمود	علم ارض آن وقت چیں این دم نمود
بودنا پیدا بہ نزد مردمان	لک امر بجا دگر زوئے جہان
زیستن نتوان از خط سست جنوب <sup>۱۳</sup>	این عقیدہ داشت جا اندر غلوب
ربیع مسکون است نام این زمین	زاستوا تا روس شمر و اتا بچین
راہ ما بیرون ازین سدور <sup>۱۴</sup>	علم ما در این وطن محسوس بود

۱۲ عیار اندازہ

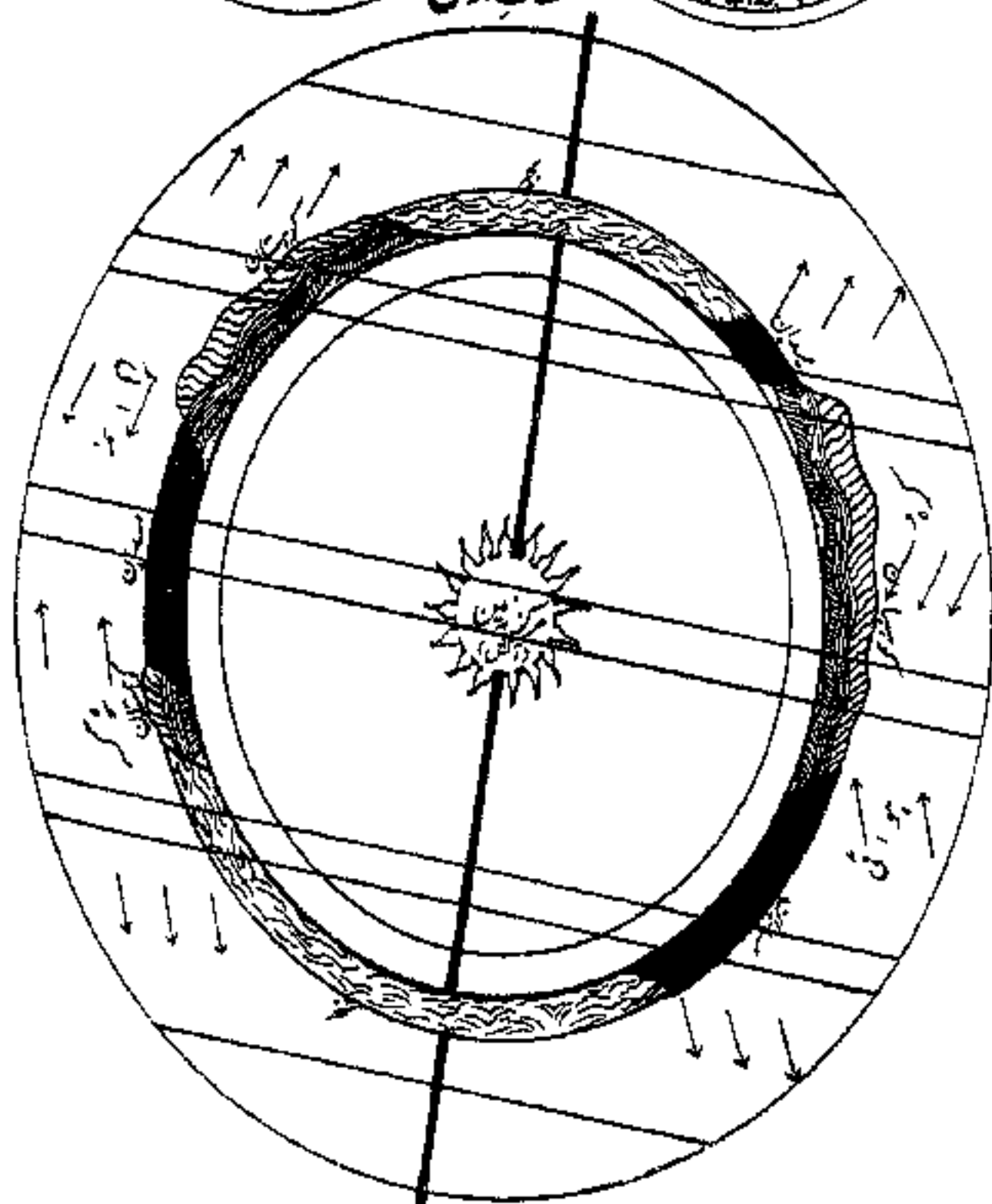
۱۳ درگ یعنی قوم

۱۴ بعضی قدر را عقیدہ این بود کہ در جنوب خط استوا زمین اندر این محال است۔





نقشه  
منطقات ارض



نقشه طبقات ارض